

۱ شنبه ۲۴/۳/۱۴۰۵ - ۲۸ ذیحجه ۱۴۴۷ - ۱۴ ژوئن ۲۰۲۶ - درس ۱۶۰ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه اداره از فقه معاصر - نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه رابعه - معامله دنیا - اصول سبعة - اصل سوم - تَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ ۹ - فقه الحديث ۵

✪ مساله ۱۶۰: کارکنان صالح تا منابع و اعتبارات موجود را به طور کامل جذب و صرف نکرده‌اند نباید به دنبال منابع مفقود و موعود باشند و بدانند که با تمام کردن منابع موجود به نحو بهینه و بهره‌ور منابع جدید خود به خود ظهور می‌کنند و مورد مطالبه و استفاده قرار می‌گیرند

«ترك طلب المفقود» در تعامل مدیران با دنیای سازمان به عنوان اصل سوم از اصول سبعة محسوب می‌شود. کلیدواژه‌ی مفقود در قرآن و اخبار موجب فتاوی متعدد شد. اینک خبر معتبر دیگری از امیر مدیران علیه السلام:

أُرْهَدُ أَنْ لَا تَطْلُبَ الْمَفْقُودَ حَتَّى يَئِدَمَ الْمَوْجُودُ.<sup>۱</sup>

زهد خود اصلی مستقل در باب ارتباط کارکنان با دنیای سازمانی است کما سیأتی.<sup>۲</sup> به مناسبت مقام، بحث زهد را استطراد می‌کنیم. حضرت علیه السلام ماهیت و حقیقت زهد را این می‌داند که به دنبال مفقود نباشیم تا موجود معدوم شود، یعنی مصرف کامل شود و تاریخ مصرف آن بگذرد، آن‌گاه خود به خود مفقود موجود و مطلوب می‌شود، یعنی تا منابعی موجود است نباید به فکر منابع مفقود و موعود باشیم و منبع موجود را به طور کامل جذب کنیم، بودجه موجود را صرف کنیم و آن‌گاه به فکر منابع و اعتبارات مفقوده یعنی غیرموجود باشیم. و این دو حالت و احتمال دارد: اول، مفقود ظهور و خودنمایی می‌کند. و دوم، حالا مطالبه‌ی منبع مفقود کن و به دنبال آن باش و جست‌وجو کن! بخواه تا برایت بیاورند! طلب کن از مافوق یا مادون یا همتا! تا قبل از اعدام موجود، طلب مفقود اصلاً مطلوب نیست. عقل هم تأیید می‌کند که تا یک منبع مفید است و کارآمدی دارد، نباید به دور ریخته شود یا مغفول واقع شود و یا از چشم بیفتد. این به نفع سازمان است و صرفه‌جویی به دنبال دارد. تهیه‌ی مفقود با قیمت‌های روز هزینه‌ساز است، پس منبع موجود را تا آخر مصرف کن! کلی بودجه صرفه‌جویی می‌شود و به درجه‌ی کارایی می‌افزاید که استفاده‌ی حداکثری از منابع کم و حداقلی است که رکن بهره‌وری و اساس شایستگی است؛ یعنی کارکنان تا منابع موجود را دور نمی‌ریزند، بلکه استفاده می‌کنند صلاحیت بیش‌تری دارند، چون نمونه‌ی کم‌تر و معونه‌ی بیش‌تری را از خود بروز می‌دهند و این زهد است که به معنای کم خواستن است، نه کم داشتن. زهد سازمانی اگر فرهنگ شود به کارایی مدیران و اثربخشی افعال آنان ارتقاء می‌بخشد، فافهم. زهد یعنی منابع داشتن، ولی کم خواستن از آن. کم خواستن یعنی دنبال مفقود غیرمبتلاء به نبودن و مصرف کردن موجودی، ولو کم باشد، ولی مطلوب است تا خوب مصرف شود. این تعریف از زهد در تراز اشخاص حقوقی سازمانی تعریفی بدیع است. مدیر زاهد کسی است که منابع موجود را مورد مصرف قرار دهد تا تمام شود و بعد سراغ منابع جدید برود و بگوید برایم بیاورید. و از لحاظ معنوی و ربوبی هم این معنا را داشت که به محض اعدام منابع موجود، منابع مفقود ظهور می‌کنند و مدیر آن‌ها را آسان مطالبه می‌کند، فتدبر. خاصیت مصرف خوب ظهور منابع جدید است، مثل میوه‌ی بهشتی که اگر مصرف شود، میوه‌ی جدید جای آن می‌آید، «كَلَّمَا زُرُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا لَهُا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهٖ مِثْلَهَا».<sup>۳</sup> این یک سنت

<sup>۱</sup> آمدی، غرر الحکم، ص. ۶۷.

<sup>۲</sup> الباب الأول فی العبودیة و أصول مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةَ الْخَوْفِ وَ الْجَهْدِ وَ حَمْلُ الْأَذَى وَ الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصِّدْقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ تَحْتِهَا وَ رِبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَسْوَلُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْجِلْمِ وَ الْعَفْوُ وَ التَّوَاضُعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّفَقَةُ وَ النَّصْحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ وَ أَسْوَلُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّوْنِ وَ الْإِيتَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ وَ بَعْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ آفَاتِهَا وَ رَفْضُ شَهْوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّيَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا. (امام جعفر بن محمد علیه السلام، مصباح الشریعة، ص. ۶)

<sup>۳</sup> وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا لَهُا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهٖ مِثْلَهَا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (البقرة: ۲۵) «قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ»: این جمله به وجوهی تفسیر شده است: ۱. ابی عبیده و یحیی بن کثیر می‌گویند: چون میوه‌های بهشت هرچند از درخت چیده شوند خداوند آن را دوباره سر جایش برمی‌گرداند، روی این اصل اهل بهشت وقتی که میوه‌ای را می‌خورند و همان را در جایش می‌دیدند به اشتباه می‌افتادند و با تعجب می‌گفتند این همان است که قبلاً نصیب و

ربوبی<sup>۶</sup> است که شرط ظهور مفقود شکر منبع موجود است؛ یعنی بهره‌وری کامل از موجود باعث ظهور منابع جدید می‌شود، لقله تعالی: «فَهُوَ مُخْلَفُهُ»<sup>۴</sup>. ولی اگر نسبت به منبع موجود ناشکری کنیم و دورریز داشته باشیم، دچار سختی و بن‌بست می‌شویم، لقله تعالی: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»<sup>۵</sup> و این یعنی زهد یک مدیر با هر دو احتمال: احتمال ظهور و احتمال اظهار و این که مفقود خودش ظهور کند یا تو آن را طلب و اظهار کنی، فتأمّل.

نکته<sup>۶</sup>: دو فتوای قبل از معالجه‌ی موجود افضل از طلب المفقود بحث کردیم و این نوبت از اعدام موجود با درایتی که از حدیث شد. تفاوتی با هم دارند. معالجه از مقوله‌ی کیف و اعدام از مقوله‌ی کم است. اولی از کیفیت استفاده‌ی موجود و دومی از پایان یافتن آن بحث می‌کند و البته دو فتوا مکمل هم هستند، والله العالم.

فتحصل: کارکنان صالح تا منابع و اعتبارات موجود را به طور کامل جذب و صرف نکرده‌اند نباید به دنبال منابع مفقود و موعود باشند و بدانند که با تمام کردن منابع موجود به نحو بهینه و بهره‌ور منابع جدید خودبه‌خود ظهور می‌کنند و مورد مطالبه و استفاده قرار می‌گیرند، والله العالم.<sup>۷</sup>

**روزی ما شده بود.** ۲. ابن عباس و ابن مسعود می‌گویند: مراد آیه این است که اینها قبلاً (در دنیا) روزی آنان بوده است. ۳. حسن بصری و واصل بن عطا می‌گویند: معنای آن این است که: این میوه‌ها شبیه میوه‌هایی است که قبلاً در بهشت از آن بهره‌مند بودیم در حالی که می‌دانستند که غیر آن است؛ ولی چون رنگ، بو، طعم و نیکی آن شبیه میوه‌های قبلی بود به اشتباه می‌افتادند. شیخ ابوجعفر می‌گوید: بهتر از همه قول ابن عباس است، زیرا تعبیر آیه عام است به این که هرچه به آنان روزی می‌دادند می‌گفتند این همان است که قبلاً به ما داده شده بود. یعنی مانند آن را در دنیا نیز به ما داده بودند. «وَأَنْوَاهُ» یعنی آورده می‌شدند. کلمه «مُتَشَابِهًا» نیز بچند وجه تفسیر شده است. ۱. ابن عباس و مجاهد می‌گویند: میوه‌های بهشت از نظر رنگ شبیه و مثل هم بوده ولی طعم و مزه‌ی آنها فرق دارد. ۲. قتاده و حسن بصری ... می‌گویند: همه‌ی میوه‌های بهشت از حیث خوبی مثل و شبیه هم‌اند و پست و نامرغوب در آن وجود ندارد. ۳. عکرمه می‌گوید: چون برخی از میوه‌های بهشت مانند میوه‌های دنیا هستند. اما میوه‌های بهشتی بهتر و خوشبوتر است. ۴. ابی مسلم می‌گوید به علت شباهت قسمتی از میوه‌های بهشت از نظر خصوصیات و لذت به قسمت دیگر لذا کلمه‌ی «مُتَشَابِهًا» گفته شد. ۵. به‌خاطر سنخیت و موافقت و شباهت هم. (موسوی همدانی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج. ۱، ص. ۹۹)

<sup>۴</sup> قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ. (سبأ: ۳۹) و آنچه که دادید از مالتان یعنی و آنچه اخراج کردید از اموالتان در راه خیر، پس خدای سبحان به شما عوض آن را می‌دهد اما در دنیا به زیادتی نعمت و یا در آخرت به ثواب بهشت گفته می‌شود خدا عوض داد برای او و بر او هرگاه تبدیل کند برای آنچه که از دست او رفته. وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ و اوست بهترین روزی‌دهندگان برای آن که او منافع بندگان را می‌دهد، نه برای رفع زیان آنان و نه برای جلب منفعت از آنان برای محال بودن سودها و زیانها بر او. (طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج. ۲۰، ص. ۲۷۹)

<sup>۵</sup> وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (ابراهیم: ۷)

<sup>۶</sup> معالجه: رفتار، معامله، معالجه، طرز عمل، درمان، حل [کردن]، بررسی، تحقیق، تفحص، بازنگری، پرداختن به (مطلبی)، معالجه [کردن]، برخورد، رفتار، رسیدگی، پردازش. عَالِجٌ مُعَالَجَةٌ و عَالِجًا [علج] هُ: در آن کار چاره‌جویی و ممارست کرد. عَالِجُ الْمَرِيضِ: بیمار را درمان کرد. عَالِجُ الْمَسْأَلَةِ: موضوع را مورد مطالعه قرار داد. عَالِجٌ: پرداخت به (بررسی کرد)، مورد بحث و بررسی قرار داد، متعرض (مطلبی یا ...) شد، را تحقیق کرد، را بررسی کرد، را بازنگری کرد. عَالِجٌ: با دست عمل کردن، با استادی درست کردن، با مهارت انجام دادن، اداره کردن، دست‌کاری کردن، شفا دادن، مداوا کردن، دارویی کرد.

<sup>۷</sup> درس ۱۶۰ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۸ شهر ذی الحجة ۱۴۴۷.